حماسه ملی ایران (آثار کهنه افسانه های حماسی)

تئودور نلدکه

1-آشنائی ما با موضوعات حماسی ایرانیان قدیم قسمتی بوسیلهء کتب مقدس آنها و قسمتی از نوشتجات نویسندگان یونان است. در اوستا از یک عده اشخاص داستانی اسم برده‏شده که ما آنها را مجددا در قالب عربی افسانه‏های فارسی و در شاهنامه فردوسی مشاهده میکنیم‏ پس از آنکه متتبعین سابق چند نفر از پهلوانان افسانه کتاب اوستا را در شاهنامه مشخص کردند1.فریدریش انگل FriedrichEngel ثابت‏ نمود که صدق این نکته نه فقط در جزئیات محدود است بلکه مؤلفین‏ کتب و اسناد مقدس اشخاص داستانی و افسانه‏ها را از ابتدای‏ دنیا تا قانون‏گذاری زرتشت مجملا و مفصلا،مخصوصا بهمین‏ترتیب‏ می‏شناختند که متاخرین انها را در کتب خویش مجسم کرده‏اند2 منتها متاخرین تمام موضوع را بیشتر جنبهء تاریخی داده‏اند و اولین‏ نماینده بشریت گیومرته GayoMareta را شاه نموده و باسم کیومرث‏ خواندند.چندتن از پهلوانان.همانطوریکه در ریک‏ودا Rigveda (1)رجوع شود بمجله(انجمن شرق المان)مقاله ره‏روت R.Roth شماره 2 صفحه 216 و بعد،شماره 4 صفحه 417 و بعد

ویندیشمان Windischmaun مطالعات زرتشتی

(2)رجوع شود به(معرفت آثار عتیقه ایرانی)جلد اول تصنیف اشپیگل و (مطالعات آریائی)صفحه 110 و بعد،و نوشتجات او در مجله«انجمن شرق المان» شماره 45 صفحه 187 و بعد

البته من معتقد نیستم که تمام اکتشافات اسپیگل کاملا ثابت و غیرقابل تغییر است‏ مطابقه شود با ملاحظات در مجله(انجمن شرق المان)شماره 32 صفحه 570

نامیده میشوند،نزد پیشوایان ایرانی و هندی یعنی آریائیها نیز مشهور بوده‏اند:مخصوصا یمیه Yima (هندی،یسمه Yama )فارسی جدید جم و یا جمشید ثرئتئونه Thraetaona (هندی،ترئی‏تنه Traitana )فارسی‏ جدید فریدون،کوی Kavi (کوه Kava اوسن Msan یا اوسدن‏ Msadans (هندی اوشنه Ushana )فارسی جدید کاوس،کوی حوسروح‏ KaviHusravah (هندی سوشروس Sushravas )فارسی.جدید خسرو،یا آنکه اصولا جزو داستانهای آریائی و یا هند و اروپائی‏ هستند مثل اژی‏دها که Azidahaka (فارسی جدید اژدها یا دهاک، معرب آن ضحاک)برخی دیگر فقط در سرزمین ایران بوجود آمده‏اند.

مخصوصا اثبات دارمستتر Darmesteter جالب توجه است که‏ میگوید.چندتن از پهلوانان فرعی غیر مهم افسانه اصلی شاهنامه‏ یا همان مواصله و ارتباطی که آنجا دیده میشوند.در اوستا نیز پیش میآیند1.بعضی از گذارشات فرعی نیز همین حال را دارد2.

پس در هرحال مؤلفین اوستا یک سلسله حکایت داستانی که‏ بنظر آنها البته یک رشته وقایع حقیقی مینمود می‏شناختند و اشپیگل‏ Spiegel یا دلائلی اظهار میدارد که این سلسله متمم سالنامه‏ای بوده‏ است که اصل آنرا هنوز میتوان فهمید.

گذشته از این در اوستا اسامی بسیاری از اشخاص داستانی‏ ذکر میگردد که ما در هیچ مورد دیگری بعدها آنها را (1)-رجوع شود به«مطالعات ایرانی» EtudesIran شماره‏ دو صفحه 213 و 227 و نیز مطابقه شود با مقاله کوچک من«بهترین تیر اندازان‏ آریائی»در مجله انجمن شرق آلمان شماره 35 صفحه 445 و بعد.

(2)رجوع شود به دارمستتر،صفحه 225 و بعد نمی‏بینیم‏1ولی این قسمت چندان جالب توجه نیست.

اکنون میتوان بآسانی فرض نمود که در همان اوانی که اوستا برشته تحریر درآمده است.صورت جامعی از تاریخ داستانی ایران‏ موجود بوده و شاید هم نوشته شده است.اما این فرض ما حتمی‏ و لازم نیست.و نیز میتوان تصور نمود که در محافل روحانی سلسله‏ ؟؟؟از این تاریخ موجود بوده و در عین‏حال در سایر طبقات‏ ملت افسانه‏های مفصلی راجع بجزئیات آن مشهور بوده است.ما بهیچوجه نمیتوانم بدانیم که این افسانه‏ها کاملا حماسی.یا اقلا باسلوب عالی یا در زبان مکالمه فصیح بوده است.ولی این نکته‏ را باید همه وقت طرف توجه قرارداد که توضیحات و اشارات کتب‏ مقدس با تاریخ کامل داستانی که از زمانهای بعد برای ما باقیمانده‏ است مطابقت مینماید.این موضوع نیز جالب توجه است که سرزمینی‏ که تمام این افسانه‏ها در آن بوقوع پیوسته است شمال شرقی ایران‏ بوده و از همین‏جهت است که اغلب وطن اوستا را در همان حوالی‏ تصور میکنند2.بقیه دارد

ضرر!

-باز پنجاه فرانک ضرر کردم!

-چرا؟مگرچه شده است؟

-کیف بغلم که محتوی ده‏هزار فرانک بود گم شده بود حالا آن کسی که آنرا یافته است آورده.

-خوب؟

-باید پنجاه فرانک انعام بدهم!

(1)چنانکه از اسامی که در آبان یشت صرف‏نظر شود،چندان زیاد نیست.

(2)قدمت قسمت‏های مختلف اوستا چنانکه مشهور است،معلوم نیست. ولی من معتقد نیستم که کلیه ان،چنانچه اخیرا فرض می‏شود،از گذشته‏ نزدیکی باشد،